

## ارادت قلبی شه‌ریار به مولا علی (ع)

دکتر صدیقه نصیر اوغلی خیابانی\*

### چکیده:

اعتقادات اسلامی در اشعار استاد سید محمد حسین بهجت تبریزی (شه‌ریار) موج می‌زند و چه قبل از انقلاب اسلامی و چه بعد از آن اشعاری توسط این شاعر بزرگ معاصر سروده شده که برخی از ابیات آن ترجمان آیه‌ای از کلام الله مجید، حدیثی از پیامبر اکرم (ص) یا ائمه معصومین (ع) و یا روایتی از آن بزرگواران است که این نشانگر پشتوانه علمی شه‌ریار در مطالعات اسلامی می‌باشد. ضمناً عشق شه‌ریار به پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت (ع) در اشعار او متجلی است و در این میان، مولای متقیان علی (ع) را جلوه‌ای دیگر است. در این مقاله به این جلوه درخشان و تبلور ارادت خاص به شیر خدا در اشعار استاد شه‌ریار پرداخته می‌شود.

### واژه‌های کلیدی:

شه‌ریار - اعتقادات اسلامی - پیامبر اکرم (ص) - علی (ع).

## مقدمه:

اعتقادات اسلامی از دیرباز چنان در تار و پود ملت ایران تنیده است که تقریباً همه شعرای ایران زمین تحت تأثیر این اعتقادات قرار داشته و آن را به نحوی \_مستقیم یا غیر مستقیم\_ ، و کم یا زیاد\_ در اشعار خود متجلی ساخته‌اند. استاد شه‌ریار نیز در اشعاری که چه پیش از انقلاب اسلامی و چه پس از انقلاب اسلامی سروده این اعتقادات را در بسیاری از اشعارش چنان جاری و ساری ساخته و عشق و علاقه و شیفتگی خود به پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع) را آن چنان زیبا و هنرمندانه به رشته نظم درآورده، که بعضاً مایه شگفتی است .

این دل‌بستگی چنان با دل و جان شه‌ریار درآمیخته که از بسیاری از اشعار او عطر دل‌ویز آن متصاعد شده و مشام جان را می‌نوازد و هنگامی که سخن از مولای متقیان امیر مؤمنان علی (ع) است این دل‌بستگی به عشقی تبدیل می‌شود که در سراسر وجود شه‌ریار شعله می‌کشد. این پژوهش به تبلور این عشق و ارادت خاص به شیر خدا در اشعار استاد شه‌ریار می‌پردازد .

## ۱- مناجات ( همای رحمت )

نخستین شعری که مورد بررسی قرار می‌گیرد معروف‌ترین شعر استاد شه‌ریار درباره سرور پرهیزکاران با نام « مناجات » است که به « همای رحمت » معروف است .

استاد شعر را با این بیت شروع می‌کند :

علی ای همای رحمت تو چه آیتی خدا را      که به ماسوا فکندی همه سایه هما را  
«هما» پرنده ای افسانه‌ای است. در تاریخ ادبیات فارسی او را مظهر فرّ و شکوه دانند و به فال نیک گیرند. (دهخدا، ۱۵ / ۲۳۵۱۸). معمولاً تشبیه « همای سعادت » در ادبیات ایران به کرات به کار رفته است. استاد، مولای متقیان را به همای رحمت تشبیه می‌کنند و با استفاده از قدرت سحرآمیز کلام، امام را آیه و حجت خدا می‌نامند، که اشاره ای است به فرمایش پیامبر (ص) که می‌فرمایند : *انَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ خَلِيفَةُ اللَّهِ وَ خَلِيفَتِي وَ حُجَّةُ اللَّهِ وَ حُجَّتِي وَ بَابُ اللَّهِ وَ بَابِي وَ ...* ( شیخ صدوق، ۲۰۳ ) و در حدیثی دیگر از زبان خداوند می‌فرمایند : *.... إِنَّهُ إِمَامٌ أُمَّتِكَ وَ حُجَّتِي عَلَيْهَا بَعْدَكَ* ( همان ، ۵۴۷).

در مصرع دوم همان بیت، شه‌ریار ، امام را همایی می‌داند که به تمام ماسوی الله سایه افکنده است که این نیز اشاره است به حدیث « عن ابی جعفر الباقر (ع) عن ابی برزه عن النبی (ص) قال : *.... إِنَّ عَلِيًّا رَايَةُ الْهُدَى وَ إِمَامُ أَوْلِيَائِي وَ نُورٌ مِّنْ أَطَاعِنِي وَ هُوَ الْكَلِمَةُ الَّتِي أَلَزَمْتُهَا الْمُتَّقِينَ ، مَن أَحَبَّهُ أَحَبَّنِي وَ مَن أَطَاعَهُ أَطَاعَنِي* . ( همان ، ۴۷۸ ) .

ترجمه : به راستی که علی پرچم هدایت و پیشوای دوستان من است؛ او نور است برای کسی که از من اطاعت کند؛ اوست کلمه ای که پرهیزکاران به آن ملتزم شوند؛ هر کس او را دوست بدارد مرا دوست داشته و هر کس او را اطاعت کند از من اطاعت کرده است.

و در بیت دوم، استاد شهریار، علی بن ابی طالب (ع) را آیینۀ جلال و جمال الهی می خواند که خدا را می توان در رخ او دید و با او شناخت :

دل اگر خدانشناسی همه در رخ علی بین      به علی شناختم من ، به خدا قسم خدا را  
این بیت برآمده از این سخن پیامبر اکرم (ص) می باشد که فرمود : یا علی : اَنَا وَ أَنْتَ وَ الْأَئِمَّةُ  
مِنْ وُلْدِكَ سَادَةٌ فِي الدُّنْيَا وَ مُلُوكٌ فِي الْآخِرَةِ ، مَنْ عَرَفْنَا فَقَدْ عَرَفَ اللَّهَ ، وَ مَنْ أَنْكَرَنَا فَقَدْ أَنْكَرَ اللَّهَ عَزَّ وَ  
جَلَّ (همان ، ۶۵۷) .

همچنین پیامبر (ص) فرمود : مَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى أَدَمَ فِي عِلْمِهِ ، وَ إِلَى نُوحٍ فِي فَهْمِهِ وَ إِلَى يُحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا فِي  
زُهْدِهِ وَ إِلَى مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ فِي بَطْشِهِ فَلْيَنْظُرْ إِلَى عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (مجلسی ، ۳۹/۳۹) .

**ترجمه :** هر کس می خواهد به علم حضرت آدم و درک حضرت نوح و زهد حضرت یحیی بن  
زکریا و دلیری و سطوت حضرت موسی (ع) بنگرد به علی بن ابی طالب نظر کند .

علی معیار و میزان گرانسنگ حق است ، چنانچه پیامبر (ص) فرمود : عَلِيُّ مَعَ الْحَقِّ وَ الْحَقُّ مَعَ  
عَلِيٍّ ، يَدُورُ حَيْثُمَا دَارَ (همان ، ۵۷ / ۳۸) . علی با حق است و حق با علی است و این دو (علی و  
حق) در هر طرف باشند با هم اند .

در دو بیت بعدی، شهریار امام را اکسیری می نامد که با او هیچ چیز فانی نیست و ابر رحمتی  
می نامد که بارش او پیروانش را از آتش دوزخ نجات می دهد .

عن الصادق جعفر بن محمد عن ابیه ، عن ابائه عن علی (ع) قال : قال رسول الله (ص) : إِذَا كَانَ  
يَوْمَ الْقِيَامَةِ يُؤْتِي بَكَا يَا عَلِيُّ عَلِيٌّ عَجَلَةٌ مِنْ نُورٍ وَ عَلِيٌّ رَأْسٌ تَاجٌ لَهُ أَرْبَعَةُ أَرْكَانٍ عَلِيٌّ كُلُّ رَكْنٍ ثَلَاثَةٌ أُسْطُرٌ  
: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَ عَلِيٌّ وَ لِيُّ اللَّهِ وَ تُعْطَى مَفَاتِيحُ الْجَنَّةِ ثُمَّ يُوضَعُ لَكَ كُرْسِيٌّ يُعْرَفُ بِكُرْسِيِّ  
الْكَرَامَةِ فَتَقْعُدُ عَلَيْهِ ثُمَّ يَجْمَعُ لَكَ الْأَوْلَادُ وَ الْآخِرُونَ فِي صَعِيدٍ وَاحِدٍ فَتَأْمُرُ بِشِيعَتِكَ إِلَى الْجَنَّةِ وَ بِأَعْدَائِكَ إِلَى  
النَّارِ ، فَأَنْتَ قَسِيمُ الْجَنَّةِ وَ أَنْتَ قَسِيمُ النَّارِ ، وَ لَقَدْ فَازَ مَنْ تَوَلَّاكَ وَ خَسِرَ مَنْ عَادَاكَ ، فَأَنْتَ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ  
أَمِينُ اللَّهِ وَ حُجَّةُ اللَّهِ الْوَاضِحَةِ ( شيخ صدوق ، ۶۷۰) .

**ترجمه :** ای علی! چون روز قیامت شود ، تو را سوار بر مرکبی از نور می آورند ؛ بر سرت تاجی  
است که چهار رکن دارد و بر هر رکنی ، سه سطر نوشته شده است : لاله آلا الله ، محمد رسول الله ،  
علی ولی الله ؛ کلیدهای بهشت را به تو بدهند و بر تخت کرامت بنشانند ؛ آن گاه تمام پیشینیان و  
پسینیان ، بر یک پهنا بر گرد تو جمع شوند و تو دستور می دهی که شیعیانت را به بهشت و  
دشمنانت را به دوزخ ببرند؛ چرا که تو قسمت کننده بهشت و دوزخ هستی؛ رستگار شد آن که  
ولایت تو را پذیرفت و زبان کرد آن که دشمن تو شد. ای علی ! تو در آن روز ، امین خدا و حجت  
آشکار الهی هستی .

شهریار در ادامه می سراید :

به خدا که در دو عالم، اثر از فنا نماند      چو علی گرفته باشد، سر چشمه بقا را  
مگر ای سحاب رحمت تو بباری ار نه دوزخ      به شرار قهر بسوزد همه حال ما سوا را

این دو بیت نیز اشاره ای است به دستگیری علی (ع) در این جهان و شفاعت او در آن جهان ، که ریشه در آیات و احادیث دارد .

ابابصیر گوید : امام صادق (ع) می فرماید : آن گاه که قیامت برپا شود خداوند همه مردم را در یک جا گرد آورد ، تاریکی شدیدی همه را فرا گیرد و به پروردگار خود ناله کنند: پروردگارا! این تاریکی را از ما برطرف فرما. در این هنگام عده ای وارد شوند که با نور خود صحرای قیامت را روشن می کنند . حاضران گویند اینان پیامبران خدا، یا فرشتگان و یا شهیدان هستند ؟ از جانب حق ندا می رسد که خیر ؛ و آنان خود پاسخ می دهند که ما علویون و ذریه محمد(ص) پیامبر خدا و فرزندان علی ولی خدا هستیم ؛ از جانب خداوند به آنان ندا می رسد که دوستان و شیعیان خود را شفاعت کنید پس آنها شفاعت می کنند و شفاعت آنها پذیرفته می شود. (همان، ۲۸۴).

استاد شهریار وصف سخاوت حضرت علی (ع) را درباره بخشیدن انگشتری خود در حال رکوع به فقیری چنین به زبان شعر درآورده است :

برو ای گدای مسکین در خانه علی زن      که نگین پادشاهی دهد از کرم ، گدا را

کلام خداوند متعال در قرآن مجید در مورد این کرامت علی (ع) چنین است:

«إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ» (مائده،

۵۵). به اتفاق نظر مفسرین عامه و خاصه مراد از این آیه ، حضرت علی (ع) می باشد .

برای مثال مرحوم طبرسی از ابن عباس نقل می کند : ابوذر گفت یکی از روزها در معیت رسول خدا(ص) نماز ظهر می گزاردیم، مرد تهیدست و بینوائی در مسجد از مردم درخواست کمک می کرد، کسی چیزی به او نداد. این مرد بینوا دستها را رو به آسمان برگرفت و گفت: خدایا تو گواه باش که من در مسجد رسول الله (ص) از مردم درخواست کمک مالی نمودم، لکن کسی چیزی به من نپرداخت . علی (ع) هم زمان با این جریان در حال رکوع نماز به سر می برد ، انگشت دست راست خود را به طرف این سائل نشانه رفت و به او اشاره کرد انگشتری را از انگشت او بیرون کشد ، سائل انگشتری را از دست آن حضرت بیرون کشید ، و رسول خدا (ص) نیز شاهد این صحنه بود .

آنگاه پیامبر بعد از اتمام نماز سر به آسمان برداشت و با یادآوری درخواست حضرت موسی و

اجابت خداوند در انتخاب وزیری هارون ، به درگاه خداوندی چنین عرضه داشت :

« اللَّهُمَّ ، فَإِنَّا مُحَمَّدٌ نَبِيُّكَ وَ صَفِيُّكَ ، اللَّهُمَّ فَاشْرَحْ لِي صَدْرِي وَ يَسِّرْ لِي أَمْرِي وَ اجْعَلْ لِي وَزِيرًا مِنْ

أَهْلِي عَلِيًّا ، أَشَدُّدُ بِهِ أَرْزِي» (طبرسی ، ۳ / ۲۶۲ - ۲۶۳) .

ترجمه : بار خدایا ! من محمد پیامبر تو و برگزیده تو هستم . بار خدایا ! پس به من شرح

صدر مرحمت فرما ..... و برای من وزیری از خاندان من ، علی ، قرار ده ..... .

ابوذر گفت : سوگند به خدا هنوز سخن آن حضرت به پایان نرسیده بود که جبرئیل از سوی

خداوند بر وی فرود آمد و گفت : ای محمد ! بخوان و این آیه نازل شد.

البته احادیث و روایات بسیاری در این خصوص در منابع اسلامی وجود دارد که همگی الهام بخش استاد شهریار در این بیت زیبا بوده اند ( طبری، ۲۲۴/۶ ؛ فخر رازی، 383/4 ؛ سیوطی، ۲ / ۸۴۹ مجلسی، ۱۹۹/ ۳۵).

استاد در بیت بعد به سفارش حضرت علی(ع) به امام حسن مجتبی(ع) در مورد ابن ملجم مرادی، ضاربی که به ضربه شمشیر زهرآلودش حضرت را در محراب کوفه به شهادت رسانید اشاره دارد:

به جز از علی که گوید به پسر که قاتل من چو اسیر توست اکنون ، به اسیر کن مدارا  
این بیت برگرفته از فرمایش علی بن ابی طالب (ع) ، مجسمه عدالت ، به امام حسن در مورد  
ابن ملجم می باشد که فرمودند: *أَلَا لَا تَقْتُلَنَّ بِي إِلَّا قَاتِلِي... فَأَضْرِبُوهُ ضَرْبَةً بِضَرْبَةِ (نهج البلاغه، نامه ۴۷).*  
شهریار در بیت بعد مشام جان را، با عطر یاد سالار شهیدان حسین بن علی(ع) چنین می نوازد:  
به جز از علی که آرد پسری ابوالعجائب که علم کند به عالم شهدای کربلا را  
سپس با اشاره به پاکبازی و وفا به عهد سرور پرهیزکاران دو عالم، علی مرتضی چنین می سراید:  
چو به دوست عهد بنده ز میان پاکبازان چو علی که می تواند که به سر برد وفا را  
پاکبازی و وفاداری علی (ع) به پیامبر اکرم (ص) مصداق های بی شماری در تاریخ اسلام دارد :  
نخستین ایمان آورنده مرد بودن (مجلسی ، ۲۱۱/۳۸ ؛ شیخ صدوق، ۲۰۵)؛ در بستر پیامبر  
خوابیدن و به آغوش خطر مرگ رفتن ( بقره ، ۲۰۷)؛ در غزوات مختلف از جمله خیبر، شیر بیشه  
شجاعت و مظهر وفا بودن ؛ و نهایتاً به خاطر حفظ دین خدا و پاسداری از ثمرات رسالت پیامبر  
ختمی مرتبت (ص) و حفظ کیان اسلامی، ۲۵ سال سکوت کردن با خاری در چشم و استخوانی در  
گلو ( نهج البلاغه ، خطبه ۳ ) .

در شجاعت علی (ع) همین بس که در حدیثی از امام حسین (ع) نقل است که فرمود : هیچ  
پرچمی به جنگ امیرالمؤمنین (ع) نمی آمد جز اینکه خدا سرنگونش می ساخت و افرادش شکست  
خورده و با خواری برمی گشتند .امیرالمؤمنین (ع) شمشیر ذوالفقارش را به کسی نزد که نجات  
یافته باشد و هر گاه امیرالمؤمنین (ع) می جنگید جبرئیل سمت راستش ، میکائیل سمت چپ آن  
حضرت و ملک الموت برابزش بودند ( شیخ صدوق ، ۵۱۳ ) .

شیخ صدوق در امالی بعد از بیان ماجرای فتح قلعه خیبر از راوی نقل می کند که وقتی  
حضرت علی (ع) به قلعه غموص نزدیک شد یهودیان او را با تبر و سنگ می زدند ولی او همچنان  
پیش می رفت؛ وقتی به در قلعه رسید از اسب پیاده شده با دست خود درب خیبر را از جا کند و  
۴۰ ذراع به پشت سر خود پرتاب کرد . ابن عمر گوید ما از پیروزی علی تعجب نکردیم ؛ تعجب ما از  
این بود که چطور درب قلعه را یک تنه از جا کند با اینکه ۴۰ مرد هم نمی توانستند آن را جابجا  
کنند . پیامبر از راز آن پرده برداشت و فرمود به خدا قسم که ۴۰ فرشته در کندن درب به او  
کمک کردند ( همان ، ۵۱۴).

شهریار در بیت بعد با توجه به فرمایش پیامبر اکرم (ص) که : *لَا فِتْيَ إِلَّا عَلِيٌّ لَا سَيْفَ إِلَّا ذُو الْفِقَارِ*

(مجلسی، ۴۱/ ۱۰۱): جوانمردی چون علی و شمشیری چون ذوالفقار وجود ندارد، علی (ع) را پائین تر از خدا اما بالاتر از بشر عادی می نامد:

نه خدا توانمش خواند، نه بشر توانمش گفت متحیرم چه نامم شه ملک لا فتی را  
این بیت برگرفته از این فرمایش پیامبر گرامی اسلام (ص) می باشد که فرمودند: *لَوْ أَنَّ الرِّیَاضَ أَقْلَامٌ وَ الْبَحْرُ مِدَادٌ ، وَ الْجِنُّ حِسَابٌ وَ الْإِنْسُ كِتَابٌ ، مَا أَحْصُوا فَضَائِلَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (همان ، ۳۸/ ۱۹۸).*

ترجمه: اگر درختان قلم و دریاها مرکب و جنیان حسابگر و آدمیان نویسنده باشند، نمی توانند فضایل علی بن ابی طالب (ع) را شمارش کنند.

در دو بیت بعد، استاد به زیبایی تمام از نسیم رحمت، درخواست خاک کوی امام را می کند تا آن را توتیای چشم خود سازد و پیام های ارادتمندانه خود را که به سوز دل آغشته است با باد صبا، رهسپار خاک پای امام می نماید:

به دو چشم خون فشانم هلهای نسیم رحمت که ز کوی او غباری به من آر، توتیا را  
به امید آن که شاید برسد به خاک پایت چه پیام ها سپردم همه سوز دل، صبا را  
در بیت بعد، استاد شه‌ریار امام را قضاگردان و بلاگردان می خواند و دعای مستمندان را مستجاب می داند:

چو تویی قضای گردان، به دعای مستمندان که ز جان ما بگردان ره آفت قضا را  
بیت فوق نیم نگاهی است به حدیثی قدسی از امام رضا (ع)، از پدرانش و آنها از پیامبر (ص) و ایشان از جبرئیل و او از میکائیل و او از اسرافیل، که خداوند فرمود:

"منم خدایی که جز من معبودی نیست؛ مخلوقات را با قدرت خود آفریدم؛ از بین آنها پیامبرانی را برگزیدم و از میان پیامبران نیز محمد (ص) را به عنوان حبیب و خلیل و صفی انتخاب کردم؛ آنگاه او را به سوی مردم فرستادم و علی را به عنوان برادر و وصی و وزیر او قرار دادم تا بعد از محمد، پیام رسان او به مردم و جانشین من باشد و قرآن مرا برای آنها بیان نماید و حکم مرا در میان آنها اجرا کند.

من علی را به عنوان نشانه و پرچمی هدایتگر از گمراهی قرار دادم؛ او دری است که مردم از آن در آیند؛ او خانه من است که هر که داخل آن شود از آتش دوزخ من در امان باشد؛ او دژ محکم من است که هر کس بدان پناه برد، از بدی دنیا و آخرت محفوظ بماند.

او وجه من است که هر کس به او رو کند، از او رو برنگردانم؛ او حجت من در آسمان ها و زمین است؛ تنها عمل کسانی را می پذیرم که به ولایت علی و رسالت احمد پیامبرم اقرار کنند؛ او دست گشاده من بر بندگان است؛ او نعمتی است که به هر یک از بندگانم که دوست داشتم دادم؛ پس هر کس از بندگانم را که دوست داشتم، دوستی و شناخت علی را نصیب او کردم و هر کدام از بندگانم را که دشمن دارم، به خاطر این است که از دوستی و شناخت علی روگردان است.

به عزّت و جلال خودم سوگند خورده ام که هر کس علی را دوست بدارد ، او را از دوزخ دور سازم و وارد بهشت نمایم ، و هر کس او را دشمن بدارد و از ولایتش روی برگرداند ، من با او دشمنی نموده و او را داخل دوزخ نمایم که آنجا بد سرانجامی است " ( شیخ صدوق ، ۲۲۲ ) .

استاد شهریار در سه بیت آخر شعر کم نظیر خود ، ضمن اشاره به سوز و گداز همیشگی خود نسبت به مولایش و شوق دائم خود به سرانیدن درباره مولای متقیان (ع) ، آن را به بی‌تی بی نظیر از لسان الغیب ، خواجه حافظ شیرازی ، که همواره او را مرشد و استاد خود می خواند و شیفته اش بود ، مزین ساخته ، شعر خود به مولا را غم دل خود به دوست نامیده و آن را به زیبایی تمام به " نوای مرغ یا حق " که در " دل شب " می خواند شبیه می سازد :

چه زخم چو نای هر دم ، ز نوای شوق او دم      که لسان غیب خوشتر بنوازد این نوا را  
" همه شب در این امیدم که نسیم صبحگاهی      به پیام آشنایی بنوازد آشنا را " (حافظ، ۵)

ز نوای مرغ یا حق بشنو که در دل شب      غم دل به دوست گفتن چه خوش است شهریارا !  
شعر فوق انصافاً قدرت کم نظیر استاد شهریار را در بیان مضامین اعتقادی در قالب شیواترین اشعار نشان می دهد.

حضرت آیت الله العظمی نجفی مرعشی (ره) در شأن و عظمت این شعر می فرمایند :  
" شبی توسل پیدا کردم تا یکی از اولیای الهی را در خواب ببینم ، آن شب در عالم خواب دیدم در یکی از زاویه های مسجد کوفه نشسته ام و امیر مؤمنان حضرت علی (ع) با جمعی حضور دارند . ناگهان آن حضرت فرمودند : شعرای اهل بیت ما را بیاورید . چند نفر از شعرای عرب را آوردند . حضرت فرمودند : شعرای فارسی زبان را بیاورید . آن گاه محتشم کاشانی و چند تن شعرای فارسی زبان آمدند ..... سپس حضرت علی (ع) فرمودند : شهریار را بیاورید . شهریار آمد . حضرت به ایشان فرمودند : شعرت را بخوان . شهریار شعری با این مطلع خواند :

علی ای همای رحمت تو چه آیتی خدا را      که به ماسوا فکندی همه سایه خدا را  
وقتی شعر شهریار تمام شد ؛ چون من شهریار را ندیده بودم فردای آن روز از اطرافیان پرسیدم که شهریار کیست ؟ گفتند : شاعری است که در تبریز زندگی می کند . حضرت آیت الله العظمی نجفی مرعشی (ره) استاد شهریار را فرا می خوانند و می پرسند: شعر « علی ای همای رحمت » را کی گفته اید ؟ شهریار با تعجب جواب می دهد: شما از کجا خبر دارید که من این شعر را گفته ام ؟ من این شعر را نه به کسی داده ام نه درباره آن با کسی سخن گفته ام.

چون حضرت آیت الله العظمی نجفی مرعشی (ره) جریان خوابشان را توضیح می دهند شهریار بسیار منقلب می شود . وقتی تاریخ سرودن شعر را می گوید ، معلوم می شود در همان شبی که شهریار این شعر را سروده است ، حضرت آیت الله العظمی نجفی مرعشی نیز در خواب آن واقعه را می بیند " (آیت الله العظمی مرعشی نجفی ، ۵۰) .

## ۲- شعر "عید غدیر مولای متقیان"

در دیوان استاد شهریار، شعری با عنوان «عید غدیر مولای متقیان» وجود دارد. شهریار در این شعر مکنونات قلبی خود را که ملهم از اعتقادات اسلامی است بیان نموده که ابیات آن، گاه به صراحت و گاه به تلویح، باز ریشه در کلام خداوند و احادیث و روایات دارد و در این مجال به آن ابیات اشاره می شود:

چه جای سر اگر سرور نباشد      نجنبد دست و پا تا سر نباشد  
خدا راهی گشود و هرگز نیست      که رهرو باشد و رهبر نباشد

خداوند در قرآن مجید می فرماید: هیچ قومی بدون رهبر و پیشوا و به حال خود رها گذاشته نشد، تا اتمام حجتی باشد بر آنان که گمراهی خود را متوجه عدم وجود رهبر نمایند. رُسُلًا مُبَشِّرِينَ وَ مُنذِرِينَ لِنَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةً بَعْدَ الرُّسُلِ (نساء، ۱۶۵).

همچنین امام علی(ع) در این مورد می فرماید: بَعَثَ اللَّهُ رُسُلَهُ بِمَا خَصَّهُمْ بِهِ مِنْ وَحْيِهِ، وَ جَعَلَهُمْ حُجَّةً لَهُ عَلَى خَلْقِهِ لِنَلَّا تَجِبَ الْحُجَّةُ لَهُمْ بِتَرْكِ الْإِعْذَارِ إِلَيْهِمْ، فَذَعَاهُمْ بِلِسَانِ الصِّدْقِ إِلَى سَبِيلِ الْحَقِّ (نهج البلاغه، خطبه ۱۴۴).

ترجمه: خدا پیامبرانش را برانگیخت و وحی خود را خاص ایشان فرمود؛ آنان را حجت خود بر آفریدگانش نمود تا برای مردمان جای عذری نماند؛ پس، به زبانی راست، آنان را به راه حق خواند.

در بیت بعدی، استاد شهریار کلام خدا را شرابی می نامد که جویندگان حقیقت را سیراب می سازد و تنها امام همام را ساقی کوثر می نامد که این شراب را به کام پیروان می ریزد:

شراب عاشقان در ساغرش ریخت      که جز با ساقی کوثر نباشد

این نکات همه برگرفته از حدیث نبوی است که می فرماید: ..... يَا أَبَا حَسَنِ! وَ أَنْتَ صَاحِبُ حَوْضِي وَ الْمُؤَيِّ بِذِمَّتِي وَ الْمُؤَيِّ عَنِّي دِينِي (شیخ صدوق، ۱۱۳).

همچنین در حدیثی، از امام حسین (ع) منقول است که آن حضرت از پدر بزرگوارش امیرالمؤمنین علی (ع) نقل می کنند که فرمود: پیامبر خدا (ص) به من فرمود:

أَنْتَ صَاحِبِي عَلَى الْحَوْضِ عَدَاً وَ أَنْتَ صَاحِبِي فِي الْمَقَامِ الْمَحْمُودِ، وَ أَنْتَ صَاحِبُ لَوَائِي فِي الْآخِرَةِ كَمَا أَنْتَ صَاحِبُ لَوَائِي فِي الدُّنْيَا. لَقَدْ سَعِدَ مَنْ تَوَلَّاكَ وَ شَقِيَ مَنْ عَادَاكَ وَ إِنَّ الْمَلَائِكَةَ لَتَقْرُبُ إِلَيَّ اللَّهُ تَقَدَّسُ ذِكْرُهُ بِمَحَبَّتِكَ وَ وِلَايَتِكَ (همان، ۳۳۲).

ترجمه: ای علی! تو در روز رستاخیز، بر سر حوض کوثر، همراه من و در مقام محمود پیش من هستی؛ تو در روز آخرت پرچمدار من خواهی بود، آن سان که در دنیا پرچمدار من هستی؛ به طور حتم سعادت مند گشت کسی که با تو دوستی کند، و بدبخت شد آنکه با تو دشمنی ورزد. فرشتگان آسمان با دوستی و ولایت تو به خدا تقرب می جویند.

بیت بعد، جام شهادت را شایان مخلصانی می داند که از هر شائبه ای به دورند:



اگر سر می کشی جام شهادت  
 خمار دیگری در سر نباشد

این بیت نیز نگاهی دارد به دعای امام علی (ع) هنگام درخواست شهادت ( صحیفه علویه ، ص ۳۲۹ ) و همچنین به جمله عاشقانه آن حضرت به دنبال ضربت خوردن در محراب عبادت که فرمودند : **فُرْتُ وَ رَبِّ الْكَعْبَةِ** ؛ و نیز به اخلاص کامل امام در لحظه لحظه ی عمر مبارکشان، که نمونه ای از آن را مولوی، شاعر گرانقدر، با اشاره به پیروزی مولا بر عمرو ابن عبدود در جنگ خندق، آب دهان انداختن عمرو بر رخ امام، تأمل امام در هلاک ساختن او پس از این حرکت و دلیل امام برای آن تأمل را به زیبایی تمام به رشته ی نظم در آورده است:

از علی آموز اخلاص عمل                      شیر حق را دان منزه از دغل

.....

گفت من تیغ از پی حق می زنم                      بنده ی حقم نه مامور تنم

### ۳- شعر "ولای امیر"

استاد شهریار در شعر دیگری با عنوان « ولای امیر » خود را از لحظه ای که به دنیا آمده ، پروانه ای دانسته که آرزویش مردن در پای شمع وجود مولا بوده است:

پروانه ام ای شمع از آن لحظه که زادم                      آن زد به سر من که به پای تو بمیرم

استاد از شدت عشق و علاقه امیر مؤمنان را عشق جاوید و کعبه عشاق نامیده و به زیبایی خواستار فدیة شدن و ذبح شدن در منای این کعبه شده است:

قربانی کوی توام ای کعبه عشاق                      بگذار که من هم به منای تو بمیرم

در مروه صفا کن به طلب جان ، که بهشت است آن مروه که در وی به صفای تو بمیرم

پر واضح است این اشعار استاد نیز نشات گرفته از اعتقادات اسلامی و اشاره به فرمان الهی مبنی بر ذبح حضرت اسماعیل (ع) توسط پدر بزرگوارش حضرت ابراهیم (ع) ( صاقتات ، ۱۰۱ ) و شعائر حج از جمله مراسم قربانی کردن توسط حجّاج ، و سعی بین صفا و مروه می باشد .

هنر شعری شهریار بار دیگر در این بیت جلوه گر می شود :

ای عشق، تو جاویدی و من فدیة ولیکن                      جاوید نمیرد که به جای تو بمیرم

استاد، امام را مظهر عشق جاودان نامیده و شدیداً علاقمند است فدایی او شود اما به زیبایی و ظرافت بیان می کند که چون عشق ، جاویدان است و می میرد لذا فدایی شدن و به جای او مردن معنی ندارد.

در ابیات بعد استاد امام علی (ع) را « طور تجلی » نامیده و خود را بیمار غم عشق امام خوانده ، درد و درمان ، هر دو را در وجود امام خویش می داند:

هر جا که شدم از تو همان طور تجلی است                      ای طور تجلی به کجای تو بمیرم ؟

بیمار غم عشقم و بهبود نیابم                      آلا که به درد و به دوا ی تو بمیرم

« طور تجلی » از واژه های قرآنی است که پشتوانه این بیت از شعر شهریار قرار گرفته است: وَ نَادِيَاهُ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ وَ قَرْبَانَهُ نَجِيًّا (مریم، ۵۴).

ترجمه: و ما موسی را از وادی مقدس طور ندا کردیم و به مقام قرب خود برگزیدیم.

بیت دیگری از شعر، تولی و تبری را که از فروع دین هستند مطرح می کند:

یک عمر به زندان تولی و تبری ماندم که امیرا، به ولای تو بمیرم

که این ابیات اشاره به احادیث کثیری از پیامبر (ص) دارد که می فرمایند:

مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَحْيِيَ حَيَاتِي وَ يَمُوتَ مِيتِي وَ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ الَّتِي وَعَدَنِي رَبِّي بِهَا وَ هِيَ جَنَّةُ الْخُلْدِ فَلْيَتَوَالَ عَلِيًّا

بن آبی طالب و ذریته من بعده.... (مجلسی، ۲۳ / ۱۱۰).

ترجمه: کسی که دوست دارد به حیات من زنده و به ممات من بمیرد و وارد بهشتی جاودان

شود که پروردگار مرا وعده به آن داده است باید با علی بن ابیطالب و اهل بیت دوستی نموده و از

او پیروی نماید.

و همچنین:

مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَجْمَعَ اللَّهُ لَهُ الْخَيْرَ كُلَّهُ ، فَلْيُؤَالَ عَلِيًّا بَعْدِي وَ لِيُؤَالَ أَوْلِيَاءَهُ وَ لِيُعَادِ أَعْدَاءَهُ ( شیخ صدوق،

۴۷۴).

#### ۴ - شعر "یا علی"

استاد شهریار دو شعر با عنوان « یا علی » در دیوان خود می آورد که در یکی از آنها امام را

جلوه جمال و جلال حق و آیینۀ ابدیت می نامد:

ای جلوه جلال و جمال خدا، علی وز هر چه جز خدا به جلالت جدا، علی

در تو جمالی از ابدیت نموده اند ای آگینۀ ابدیت نما، علی

تمام این القاب که شهریار به زیبایی تمام به آنها لباس شعر پوشانیده، ریشه در احادیث و روایات

دارند. در ضمن، اعتقاد به اینکه علی (ع) در رأس جلالت ما سوی الله است، در هر کدام از اشعار

شهریار خود را به نوعی نشان داده است؛ به عنوان مثال در « همای رحمت »: « تو به ماسوی

فکندی همه سایه هما را »؛ در ابیات فوق « وز هر چه جز خدا به جلالت جدا، علی » و غیره.

استاد شهریار، سرور پرهیزکاران را مظهر العجایب نامیده به « هل اتی » و « لافتی » اشاره

دارد:

با انبیا به سر و علن نصرتت قضاست یا مظهر العجایب یا مرتضی علی

فیاض در فضیلت تو گفته «هل اتی» لو لاک در فتوت تو « لافتی » علی

این ابیات اشاره به آیه هل اتی دارند که به اتفاق آراء مفسرین معتبر از جمله طبرسی (مجمع

البیان، ۱۰ / ۵۱۳) در مورد اهل بیت پیامبر اکرم (ص) و بذل قوت شبانه شان بر یتیم و فقیر و

اسیر نازل شده است. " وَ يُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلِيَّ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَ يَتِيمًا وَ أَسِيرًا . إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ

مِنْكُمْ جَزَاءً وَ لَا شُكُورًا " (دهر ، ۹-۸). بنابر روایات عامه و خاصه ، وقتی حسنین (ع) مریض شدند حضرت علی (ع) به امر پیامبر (ص) نذر کرد که آنان شفا بیابند و امام سه روز روزه بدارند. حضرت فاطمه و حسنین (ع) و فضه هم همین نذر را کردند . چون شفا یافتند ، همه روزه گرفتند . شب اول فقیری ، شب دوم یتیمی و شب سوم اسیری به در خانه آمد و غذا خواست . امام علی (ع) نان جوینی که برای افطار به قرض مهیا کرده بودند هر سه شب به سائلان دادند . حضرت فاطمه (ع) و بقیه نیز به امام اقتدا کردند روز چهارم حسنین از ضعف روزه بی تاب شدند که مائده بهشتی واصل و این آیات در شان آنان نازل گردید.

ابیات فوق همچنین به فرمایش پیامبر اکرم(ص) مبنی بر « لَا فَتَى إِلَّا عَلِيٌّ لَا سَيْفَ إِلَّا ذُو الْفَقَارِ » اشاره دارند که قبلاً ذکر آن گذشت.

در بیتی دیگر، شهریار علی (ع) را جام خضر و چشمه آب بقا می نامد:  
 ظلمات شد میان تو و تشنگان حجاب ای جام خضر و چشمه آب بقا ، علی  
 این بیت احتمالاً اشاره ای است به فرازهایی از مناجات شعبانیه از زبان امیرالمؤمنین مولا علی (ع) : اَلِهِي هَبْ لِي كَمَالَ الْاِنْقِطَاعِ اِلَيْكَ وَ اَنْرْ اَبْصَارَ قُلُوبِنَا بِضِيَاءِ نَظَرِهَا اِلَيْكَ حَتَّى تَحْرِقَ اَبْصَارُ الْقُلُوبِ حُجُبَ النُّورِ فَتَصِلَ اِلَى مَعْدِنِ الْعِظْمَةِ .... (مفاتیح الجنان)

**ترجمه :** بار الها! مرا انقطاع کامل به سوی خود عنایت فرما و دیده های دل ما را به نوری که به آن نور، تو را مشاهده کنند روشن ساز ، تا دیده بصیرت ما حجاب های نور را دریده و به نور معدن عظمت واصل گردد.

در پایان شعر، استاد انتظار خود به ظهور حضرت مهدی موعود (عج) و امید خود به شفاعت مولا را چنین بیان می دارد :

ما پیشواز مهدی موعودت آمدمیم      با وعده ظهور ولی کن وفا ، علی  
 چشمم به سوی سر در دارالشفای توست      شهید شفاعتی که بیابم شفا علی

این ابیات نیز بیانگر انتظار فرج و امید شفاعت مولای متقیان (ع) ، اصل واضح اعتقادی شیعه ، با مستندات بیشماری است از جمله : ... فَيَقُولُ اللَّهُ : يَا عَلِيُّ اِضْمَنْ لِحُصَمَائِهِ تَعْوِيضَهُمْ عَنْ ظَلَامَاتِهِمْ قَبْلَهُ ، فَيُضْمَنُ لَهُمْ عَلِيُّ (ع) ذَلِكَ وَ يَقُولُ لَهُمْ : اِقْتَرِحُوا عَلِيَّ مَا شِئْتُمْ اَعْطِكُمْ عَوْضًا مِنْ ظَلَامَاتِكُمْ قَبْلَهُ فَيَقُولُونَ : يَا اَخَا رَسُولِ اللَّهِ تَجْعَلْ لَنَا بَازَاءَ ظَلَامَاتِنَا قَبْلَهُ ثَوَابَ نَفْسٍ مِنْ اَنْفَاسِكَ لَيْلَةَ يَبْتَوْتِيكَ عَلِيَّ فِرَاشِ مُحَمَّدٍ (ص) فَيَقُولُ عَلِيُّ (ع) : قَدْ وَهَبْتُ ذَلِكَ لَكُمْ.... ( مجلسی ، ۴۷۰/۸ ) .

**ترجمه:** خداوند می فرماید: ای علی ضمانت کن برای دشمنان و طلبکاران آن فرد گنهکار از شیعیان، در عوض ظلمهایی که وی بر آنان روا داشته است. پس علی(ع) بر آنان ضمانت می کند و خطاب به آن طلبکاران می گوید: هرچه میل دارید پیشنهاد کنید تا من در عوض مظلومه و ستمهایی که آن فرد از شیعیان ما بر شما انجام داده است بر شما عطا کنم. آن طلبکاران گویند: ای برادر

رسول خدا(ص) برای ما در مقابل ستمهایی که او بر ما روا داشته، پاداش دمی از نفسهای پاکی که در ليله المبيت بر فراش پیامبر خدا(ص) داشتید، عطا بفرما! پس علی(ع) می فرماید: حتماً این را به شما عطا نمودم!!.....

در شعر دوم که آن هم با عنوان « یا علی » است ، شهریار در انواع قالب های ادبی از جمله تشبیه و استعاره به مقام والای انسانی امام پرداخته و امام را دستگیر مستمندان و شیر خدا می نامد:

مستمندم بسته زنجیر و زندان یا علی دست گیر ای دستگیر مستمندان یا علی  
بندی زندان روباهانم ای شیر خدا می جوم زنجیر زندان را به دندان یا علی

اینکه مولا یاریگر مستمندان و ضعیفان بوده و شیر خدا لقب گرفته است در منابع اسلامی مورد تأکید فراوان است و همچنانکه قبلاً ذکر شد، آیه: **أَمَّا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ** (مائده ، ۵۵) در وصف مولاست .

سپس شهریار باز به جمله تاریخی پیامبر اکرم (ص): **« لَا فَتَى إِلَّا عَلِيٌّ لَا سَيْفَ إِلَّا ذُو الْفَقَارِ »** بر می گردد :

قلعه یی کو قایل ( لا سیف الا ذوالفقار ) قلدران می بیند و غداره بندان یا علی  
و بالاخره شعر را با آرزوی شفاعت مولا و درمان توسط دارالشفای حضرت به پایان می برد :  
دردمندی روسیاهم با شفاعت مستحق ای درت دارالشفای دردمندان یا علی

استاد شهریار در بیتی دیگر به صبر حضرت ایوب (ع) و زندان یوسف (ع) اشاره می کند که :  
من نه ایوبم، ولی صبرم به محنت بیش از اوست من نه یوسف، لیک زندان دو چندان یا علی  
که این بیت نیز اشاره است به سرگذشت این دو پیامبر خدا در کلام الله مجید ، از جمله آیه : **« قَالَ رَبِّ السِّجْنِ احْبَبْ إِلَيَّ مَا يَدْعُونِي إِلَيْهِ »** ( یوسف ، ۳۳ )

ترجمه : خدایا ! مرا رنج زندان خوش تر از این کار زشتی است که زنان از من تقاضا دارند.  
و آیه **« إِنَّا وَجَدْنَاهُ صَابِرًا نَعِمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ »** ( ص ، ۴۳ )

ترجمه: ما ایوب را بنده صابری یافتیم، چه نیکو بنده ای بود که دائم رجوع و توجهش به درگاه ما بود.

## ۵ - شعر "شب و علی"

شعر « شب و علی » در دیوان استاد شهریار نمونه دیگری از ارادت خاص ، عشق و شیفتگی شهریار به مولاست . شعر چنین آغاز می شود :

علی آن شیر خدا شاه عرب الفتی داشته با این دل شب  
شب ز اسرار علی آگاه است دل شب محرم سرالله است  
و چنین ادامه می یابد :  
فجر تا سینه آفاق شکافت چشم بیدار علی خفته نیافت

منابع زیادی در مورد مناجات های شبانه و توصیه به نماز شب و تهجد وجود دارد. تاریکی و خلوت شب محرم اسرار الهی تلقی شده ، و مناجات های شبانه علی (ع) واینکه علی (ع) قهرمان تهجد و شب زنده داری بوده است در منابع بسیاری به صراحت یا به تلویح ذکر شده است ( اسراء ، ۷۹؛ مزمل ، ۲ و نهج البلاغه ، خطبه ۸۳ ) .

سپس استاد به قناعت و سخت گیری امام بر خود استناد می کند :

روزه داری که به مهر اسحار بشکنند نان جوین افطار

استفاده امام از نان جو به خاطر این بود که بسیاری از امت اسلام در عصر امام قدرت خرید نان گندم را نداشته و نان جو می خوردند ، لذا امام می خواستند مانند آنان باشند تا هیچ کس سطح زندگی خود را پائین تر از امام خود نبیند . رسیدگی امام به نیازمندان نیز در اشعار شهریار منعکس است:

ناشناسی که به تاریکی شب می برد شام یتیمان عرب

پادشاهی که به شب برقع پوش می کشد بار گدایان بر دوش

و بیتی دیگر :

عشقبازی که هم آغوش خطر خفت در خوابگاه پیغمبر

که اشاره دارد به آیه " وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَؤُفٌ بِالْعِبَادِ" ( بقره ،

۲۰۷ ) .

**ترجمه :** از میان مردمان کسانی هستند ( امام علی (ع) ) که از جان خود در راه رضای خدا درگذرند و خدا دوستدار چنین بندگان است . هنگامی که علی (ع) در شب هجرت پیامبر(ص) ( لیلۃ المبيت ) در بستر آن حضرت آرمید تا خطرها را به جان بخرد و وجود نازنین پیامبر (ص) را از خطر محفوظ دارد ( مجلسی ، ۴۳/ ۳۶ ) .

آن دم صبح قیامت تأثیر حلقه در ، شد از او دامنگیر

دست در دامن مولا زد در که علی بگذر و از ما مگذر

شال شه واشد و دامن بگرو زینبش دست به دامن که مرو

شال می بست و ندایی مبهم که کمر بند شهادت محکم

پیشوایی که ز شوق دیدار می کند قاتل خود را بیدار

این ابیات اشاره دارد به صبح روزی که امام برای ادای نماز صبح عازم مسجد کوفه شده و در محراب عبادت به شهادت رسیدند.

و در مورد جوانمردی امام ( ع ) :

می زند پس ، لب او کاسه شیر می کند چشم اشارت به اسیر

چه اسیری که همان قاتل اوست تو خدایی مگر ای دشمن دوست

در جهانی همه شور و همه شر ها علی بشر کیف بشر

این ابیات اشاره دارند به شگفتی شه‌ریار از اینکه امام علی چگونه بشری است که شیر را نمی خورد  
تا اول آن را به قاتل او بدهند تا بنوشد !!

همچنین در ابیات آخر :

کفن از گریه غسال خجل                      پیرهن از رخ وصال خجل

که وصله های پیراهن علی (ع) مظهر قناعت و عدالت و جوانمردی او می باشد؛ و بالاخره شعر  
با ترتم عشق عظیم شه‌ریار به امام (ع) پایان می پذیرد که :

شبروان مست ولای تو علی                      جان عالم به فدای تو علی

## ۶- شعر "مقام ولایت"

« مقام ولایت » عنوان شعری است در دیوان اشعار ( همان ، ۱۰۵۸ ) که در آن استاد، اعتقاد  
خود را به ولایت به صریح ترین صورت ممکن بیان می دارد :

ز دل به عرش خدا راهها گشوده ولی                      خدا بِن همه در باب انبیا بسته است

چنانچه قرآن مسلمانان را فرمان می دهد که پیامبر را اسوه و الگوی خود قرار دهند: لَقَدْ كَانَ  
لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ ( احزاب ، ۲۱ ) . و امام علی (ع) در نامه ای به فرزندشان امام حسن  
(ع) می فرماید : وَ اعْلَمْ يَا بُنَيَّ اَنَّ اَحَدًا لَمْ يُنْبِئِ عَنِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ كَمَا اَنْبَأَ عَنْهُ الرَّسُولُ (ص) فَارْضَ بِهِ رَانِدًا  
وَ اِلَى النَّجَاةِ قَائِدًا ( نهج البلاغه ، نامه ۳۱ ) .

ترجمه : پسرم ! بدان هیچ کس بدانگونه که پیامبر(ص) از خدا خبر داده، از وی خبر نیاورده  
است؛ بنابراین رهبری او را بپذیر و در راه نجات و رستگاری ، او را رهبر و پیشوای خود برگزین.  
امام در جائی دیگر در فلسفه بعثت رسول خدا (ص) می فرماید : فَبِعَثَّ اللَّهُ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ  
وَ اِلَهٍ بِالْحَقِّ لِيُخْرِجَ عِبَادَهُ مِنْ عِبَادَةِ الْاَوْثَانِ اِلَى عِبَادَتِهِ وَ مَنْ طَاعَ الشَّيْطَانَ اِلَى طَاعَتِهِ ..... ( نهج البلاغه ،  
خطبه ۱۴۷ ) .

ترجمه : پس خداوند ، حضرت محمد (ص) را به حق برانگیخت تا بندگانش را از پرستش  
بتان برون آرد و به عبادت او درآورد و از پیروی شیطان برهاند .

استاد شه‌ریار در بیت دوم از شعر « مقام ولایت » چنین می سراید :

نبی به سوی خود از ما ، تمام درها را                      بجز دری که گشاید به اوصیا بسته است

پیامبر، راه رسیدن به خود را که راه رسیدن به خداست از طریق ائمه و اوصیا معرفی می نماید،  
چنانچه علی (ع) را رهبر مردم بعد از خود قرار داده و می فرماید :

يا عَلِيُّ اَنْتَ وَ لِيُّ النَّاسِ مِنْ بَعْدِي فَمَنْ اطَاعَكَ فَقَدْ اطَاعَنِي وَ مَنْ عَصَاكَ فَقَدْ عَصَانِي ( مفید ، ۱۱۳ ؛

مجلسی، ۴۱۳)؛ و همچنین حدیث منزلت که پیامبر (ص) می فرماید : " اَنْتَ مِثِّي بِمَثَلَةِ هَارُونَ مِنْ  
مُوسَى اِلَّا اَنْهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي " ( مجلسی ، ۴۰ / ۱۰ ) .

وصی وسیله هر اتصال با خود را به اولاد و اولیا پیوند داده است.

در واقع ، حضرت پیامبر (ص) و ائمه اطهار (ع) همچون زنجیر به هم پیوسته ای هستند که با نبود یک حلقه ، زنجیر هدایت از هم گسسته و انسان در ضلالت افتاده و نهایتاً در قعر آتش جهنم جای می گیرد . به همین جهت است که پیامبر (ص) می فرماید : **مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَرْكَبَ سَفِينَةَ النَّجَاةِ وَ يَسْتَمْسِكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى وَ يَعْتَصِمَ بِحَبْلِ اللَّهِ الْمَتِينِ ، فَلْيُؤَالَ عَلِيًّا بَعْدِي ، وَ لِيُعَادِ عَدُوَّهُ وَ لِيَأْتِمَ بِالْأَنْمَةِ الْمُهْدَاةِ مِنْ وُلْدِهِ ، فَإِنَّهُمْ خُلَفَائِي وَ أَوْصِيَائِي وَ حُجَجَ اللَّهِ عَلَيَّ الْخَلْقِ بَعْدِي وَ سَادَةَ أُمَّتِي وَ قَادَةَ الْأَتْقِيَاءِ إِلَيَّ الْجَنَّةِ ، حِزْبُهُمْ حِزْبِي وَ حِزْبِي حِزْبُ اللَّهِ وَ حِزْبُ أَعْدَائِهِمْ حِزْبُ الشَّيْطَانِ ( شيخ صدوق ، ۱۹ ) .**

**ترجمه :** هر کس دوست دارد بر کشتی نجات سوار شود و به حلقه محکم چنگ بزند و به ریسمان الهی در آویزد ، باید علی (ع) را دوست بدارد و با دشمن او دشمن باشد ، و نیز به امامان از فرزندان او اقتدا کند ؛ زیرا آنان ، خلیفه و وصی من ، و حجت خدا بر مردم و سروران امت من هستند؛ آن ها جلودار پرهیزکاران به سوی بهشت هستند؛ حزب آن ها ، حزب من است و حزب من ، حزب خداست و حزب دشمنان آن ها ، حزب شیطان است .

خدا به روی دل دشمن ذوی القربی در هدایت هر ظلمت و هر ضیا بسته است در این بیت، استاد شهریار به آیه مودت : **" لا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى "** ( شوری ، ۲۳ ) تمسک می کند و ائمه اطهار (ع) را مصادیق ذوی القربی معرفی کرده و دشمنان و مخالفین آنان را پیروان راه تاریکی و ضلالت می داند و می گوید : اگرچه دشمنان ائمه بعد از وفات پیامبر (ص) به ظاهر مسلمان بوده و حکومت اسلام را به عهده داشتند اما باطناً راه هدایت و رستگاری بر دل چنین افرادی از جانب خداوند بسته می باشد و البته که راه رسیدن به خداوند و چشیدن شربت شهادت و پیوستن به لقاء خداوند جز از راه دل نیست .

در ولایت اگر بسته باشی از سر کبر به روی تو در آلاء کبریا بسته است شهریار در این بیت نیز ، اعتقاد به ولایت ائمه (ع) را طریقه رسیدن به خدا و رستگاری می داند و لذا می گوید: در کنار نبوت نبی ، هر کس پیرو ولایت ولی و وصی او باشد رستگار است و گرنه سرپیچی از آنان جز از روی کبر و غرور و خودخواهی و دنیاپرستی نیست ، که هر یک بنفسه کافی است انسان را به کفر و ضلالت بکشاند، و این جز بسته شدن در لطف و کرم و رحمانیت خداوندی نیست.

## ۷- شعر "شأن نزول هل اتی"

« شأن نزول هل اتی » دستمایه سرایش شعر دیگری از شهریار در مورد مولا علی (ع) است . استاد در این شعر به آیات شریفه ای که پیامبر اکرم (ص) را صاحب خلق عظیم دانسته: **"انک لعلی خلق عظیم"** ( قلم ، ۶۸ ) و امر فرموده که با یتیم به قهر و عتاب رفتار نشود: **"فاما الیتیم فلا تقهر"** ( الضحی ، ۹۳ ) اشاره نموده و آل علی (ع) را آل حم نامیده و امام را صاحب شمشیر و لوای توحید دانسته که ایمان هر دو عالم، تسلیم اسلام اوست .

استاد شهریار، آیه شریفه « هل اتی » را در شأن بتول عذرا، و بیت امام را جایگاه هبوط و نزول آیات کریمه معرفی می کند. شعر با خطاب امام به سرور بانوان دو عالم چنین آغاز می شود :

همسر م فاطمه ای شاه زنان عالم  
دست پرورده سیمرغ رسالت که تراست  
جلوه خالق اعظم نمایند به خلق  
طفلی از کوچه ندا داد و (ولاتقهر) خواند  
از کجا کاین نه فرستاده حق جبریل است

بعد از ابیاتی چند، شعر این چنین ادامه می یابد :

علی ای صاحب شمشیر و لوای توحید  
آن یتیم از در این خانه قدم و ان نهاد  
شیرزادان علی شام ندارند امشب  
شام خود، کس نتواند به فقیران دادن  
هل اتی نازل در شأن بتول عذراست

ای بنای حرم قدس تو را کعبه حریم  
قاف حرمت قرق غیرت قرآن کریم  
مگر از غرفه آنک لعلی خلق عظیم  
نکنند کآمده باشد به در خانه یتیم  
تا که را آیتی از رحمت رحمن رحیم

ای به اسلام تو ایمان دو عالم تسلیم  
تا نشد شام عزیزان تو با وی تقدیم  
تا یتیم این همه بی شام نخسبد به گلیم  
زهی آن مکتب اسلام که اینش تعلیم  
مرحبا مهبط تنزیل خداوند حکیم  
( شهریار ، ۱۱۱۰ )

#### ۸- شعر "درگه شاه ولایت"

استاد شهریار در شعر دیگری با عنوان « درگه شاه ولایت » این درگاه را برتر از همه دربارها می نامد که قدسیان بر صفة والای آن جای دارند ؛ استاد خود را همچون سگی ولگرد می داند که با گردن کج بر در آن درگاه به امید سهمی ولو ناچیز از خوان گسترده مطبخ قدوسیان ایشان ایستاده و از اینکه احیاناً استخوانی بر سرش بزنند باکی ندارد :

درگه شاه ولایت ، آن که زان برتر ندیدم  
قدسیان بر صفة والای آن درگاه صفوت  
من سگی ولگردم و استادهام با گردن کج  
در همه در بار سلطان نبوت ، آستانی  
روز و شب از مطبخ قدوسیان گسترده خوانی  
بو کز آن مطبخ سرا، بر سر زندم استخوانی  
(شهریار ، ۱۱۲۳)

#### ۹- شعر "دست علی به همراه بسیج"

اشعار بعد از انقلاب استاد شهریار نیز همچنان معطر به نام و یاد امام علی (ع) است . برای مثال در شعر « دست علی به همراه بسیج » می سراید :

یا علی باز از خدا دستی به همراه بسیج  
یا علی خون حسینت کی رود از یادها  
تا علمدارش گشاید پر شاهین بال علم  
شهریار در اواخر این شعر می آورد :  
جوادان کن در جهان این جلوه و جاه بسیج  
گو ببیند زینب این غوغای خونخواه بسیج  
می دهد فرمان حسینت کو بود شاه بسیج  
حاش لله نیست یک جو، هرگز اکراه بسیج  
طلعت ماه بنی هاشم بود ماه بسیج  
رغبت و شوق شهادت خرمنی انباشته است  
کربلا تشنه است و بر سقای خود چشم انتظار



استاد شهریار در این شعر، یاد تاریخ صدر اسلام ، پیامبر اکرم(ص) ، مولای متقیان(ع) ، اباعبدالله الحسین(ع)، ابوالفضل العباس (ع) و کربلا و همه را زنده می کند و نهایت ارادت خود را به بسیج که پیرو راه حسین است با زیبایی و لطافت تمام بیان می دارد ( شهریار ، ۱۱۷۶ ).  
همچنین بخشی از دیوان استاد شهریار ، اقتباس و ترجمه از دیوان حضرت امیر (ع) است که بررسی آن نیازمند مقاله ای دیگر است .

#### ۱۰- شعر "هدیه عید غدیر"

« هدیه عید غدیر » نام شعری بسیار زیباست که استاد آن را با خطاب « علی یا انسان کامل » سروده و مطلع آن چنین است :

یا علی نام تو بردم نه غمی ماند و نه همی

بابی انت و امی

گویا هیچ نه همی به دلم بوده نه غمی

بابی انت و امی

حق اگر جلوه با وجه اتم کرده در انسان

کآن نه سهل است و نه آسان

به خود حق که تو آن جلوه با وجه اتمی

با بی انت و امی

و شعر با همان ترجیع بند « بابی انت و امی » به معنی : « پدر و مادرم فدای تو باد » به پایان می رسد ( شهریار ، ۱۲۱۰ ) .

#### ۱۱- شعر "تقریظی به کتاب الغدیر"

استاد شهریار شعری با عنوان « تقریظی به کتاب الغدیر » تألیف علامه امینی دارند . شهریار در این شعر از زحمات علامه امینی در تألیف الغدیر تجلیل نموده و ایشان را فاتح فتح الفتوح می نامند که رایت اسلام را به عرش کوبیده است:

رایت اسلام کو به عرش بر کوبدا

مولف « الغدیر » فاتح فتح الفتوح

مأجور است آنکه این سکه به زر کوبدا

لا قلم آلا « امین » لا رقم الا « غدیر »

گو که علی پنجه بر کتف عمر کوبدا

منطقش از « هل اتی » بازویش از « لافتی »

(شهریار، ۱۳۲۱/۲)

ناگفته نماند که علامه امینی در مجموعه بی نظیر الغدیر، کلیه اسناد و روایات واقعه تاریخی غدیر را از منابع موجود در ایران و چندین کشور جهان از جمله ترکیه ، پاکستان ، هند ، مصر، عراق و ....

جمع نموده اند . شهريار در اين شعر خود خواسته است از اين خدمت بزرگ علامه اميني به جهان تشيع ، به سهم خود تجليل نمايد .

۱۲ - استاد شهريار شعر ديگري در مورد مولاي متقيان (ع) سروده اند كه محتوای آن اقتباسی از سخنان جرج جرداق ، نویسنده مسیحي در مورد امام علي (ع) است . اين نویسنده در كتاب « صوت العدالة الانسانية » امام علي (ع) را فریاد عدالت انسانی نامیده و آرزو می کند ای كاش در هر قرنی يك علي به دنیا می آمد .

« ماذا عَلَيْكَ يا دُنْيَا لَوْ خَشِدَتْ قُؤَاكِ فَأَعْطَيْتِ فِي كُلِّ زَمَنِ عَلِيًّا بِعَقْلِهِ وَ قَلْبِهِ وَ لِسَانِهِ وَ ذِي فَقَارِهِ » .

ترجمه : ای روزگار ! تو را چه می شد اگر تمام نیروهای خود را بسیج می کردی و در هر عصر و زمانی ، بزرگمردی به نام علي را بدان عقل ، بدان قلب ، بدان زبان و بدان شمشیر ، به انسانیت عطا می کردی (جعفری ، ۱ / ۱۷۷) .

شهريار با اقتباس از اين سخن جرج جرداق چنين می سرايد :

چه بودی اگر هر زمان چون علي	يلي زادی از مادر ای روزگار
ترازوی عدلی چنان مستقیم	ستون امانی چنان استوار
مكارم همان گونه آرام بخش	مواعظ همان گونه آموزگار
همان گونه از ظلم بنياد كن	همان گونه با زخم مرهم گذار
به مغز عظیمش همان عزم جزم	به كف كريمش همان ذوالفقار
همان گونه هم چون قضا و قدر	كماندار پيكان پروردگار
كه برگندی از سينه دوست ، دق	برآوردی از جان دشمن دمار

( شهريار ، ۱۰۹۸ )

استاد شهريار در مورد مولا علي (ع) از دريچه چشم مخالفين نیز چنين می سرايد:

گواه فضل تو آن به كه دشمنان باشند مثل خوشست و به مصداق خوشتری هم وصل  
يكي به گفته « شبل الشميل » بد زندی بين كه گفته به وصف علي خطابی فصل  
علي است نسخه فردی كه شرق و غرب جهان دگر نديد سوادى از او مطابق اصل

( شهريار ، ۱۰۹۸ )

این شعر اشاره به این سخن شبلی الشمیل است كه : **الإمامُ عليُّ ابنُ ابي طالبٍ عظيمُ العظماءِ نُسخةٌ مُفردةٌ .**

ترجمه : امام علي بزرگ بزرگان است . او يك نسخه منحصر به فرد در جهان می باشد

(جعفری ، ۱ / ۱۷۱) .

### ۱۳- لحظه رحلت

استاد سید محمد حسین بهجت تبریزی متخلص به شهریار که در سال ۱۲۸۵ در تبریز چشم به جهان گشود، در روز شنبه ۲۶ شهریور ۱۳۶۷ به سرای جاودان شتافت .

استاد در آخرین روزهای عمر خود به اطرافیانش گفت : بیش از هشتاد سال زندگی کرده ام . آثار و اولادی دارم که آنها باقیات صالحات من هستند . تمایل من چنین است که بعد از مرگم ، اگر در تهران خواستند مرا مدفون سازند در جوار مرقد مطهر حضرت عبدالعظیم به خاک بسپارند و اگر در موطنم ، آذربایجان خواستند دفن کنند یا در دامنه کوه « حیدر بابا » و یا در مقبره الشعراى تبریز مدفونم سازند . (<http://www.hawzah.net>)

استاد در آخرین لحظه های حیات نیز در حالی که این ابیات از شعر « یا علی » را زمزمه می کردند جان به جان آفرین سپردند:

ای جلوۀ جلال و جمال خدا ، علی  
وز هر چه جز خدا به جلالت جدا علی  
در تو جمالی از ابدیت نموده اند  
ای آبگینه ابدیت نما علی  
ای مظهر جمال و جلال خدا علی  
یا مظهرالعجایب و یا مرتضی علی  
از شهریار پیر زمین گیر ، دست گیر  
ای دست گیر مردم بی دست و پا علی

(شهریار، ۱/۴۰۷)

#### فهرست منابع :

- ۱- امینی نجفی ، عبدالحسین احمد، الغدیر فی الکتاب و السنه و الادب ، تهران ، موسسه دارالکتب الاسلامیه ، ۱۳۷۲ هـ ق.
- ۲- جعفری ، محمد تقی ، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه ، تهران ، دفتر نشر فرهنگ اسلامی ، ۱۳۷۹.
- ۳- حافظ شیرازی ، محمد ، دیوان خواجه شمس الدین ، انتشارات فخر رازی ، چاپ پنجم ، ۱۳۷۱.
- ۴- دشتی ، محمد ، نهج البلاغه حضرت علی (ع) ، قم ، موسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمومنین (ع) ، چاپ دوم ، تابستان ۱۳۸۴.
- ۵- دهخدا ، علی اکبر ، لغت نامه علی اکبر دهخدا ، تهران ، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران ، چاپ دوم ، ۱۳۷۷.

- ۶ - سما هیجی ، عبدالله بن صالح ، الصحیفه العلویه ، همراه با ترجمه رسول محلاتی ، قم ، مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه ، ۱۳۸۳.
- ۷ - سیوطی ، جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور ، قم ، منشورات مکتبه آیه الله العظمی المرعشی ، ۱۴۰۴.
- ۸ - شهریار ، محمد حسین ، دیوان شهریار ، تهران ، موسسه انتشارات نگاه ، ۱۳۷۷ ، ویرایش ۲.
- ۹ - صدوق ، ابوجعفر محمد بن علی ، امالی شیخ صدوق ، به قلم آیه الله کمره ای ، تهران ، کتابخانه اسلامی ، ۱۳۶۲.
- ۱۰ - طبرسی ، فضل بن حسن ، مجمع البیان لعلوم القرآن ، قم ، کتابخانه آیه العظمی مرعشی نجفی ، ۱۴۰۳.
- ۱۱ - طبری، محمد بن جریر، جامع البیان عن تاویل آی القرآن ، بیروت ، دارالمعرفه ، ۱۴۰۶ ق.
- ۱۲ - فخر رازی ، محمد بن عمر ، التفسیر الکبیر ، بیروت ، دارالاحیاء التراث العربی ، چاپ اول ، ۱۴۱۵ ق.
- ۱۳ - مجلسی ، محمد باقر ، بحار الانوار ، تهران ، دارالکتب الاسلامیه ، ۱۳۸۵ ق.
- ۱۴ - مرعشی نجفی ، سید شهاب الدین ، ضمیمه وصیت نامه الهی - اخلاقی آیه الله العظمی مرعشی نجفی (ره) ، قم ، نشر کتابخانه آیه الله العظمی مرعشی نجفی .
- ۱۵ - مفید ، شیخ محمد بن نعمان ، امالی ، مشهد ، بنیاد پژوهش های اسلامی ، ۱۳۶۴.
- ۱۶ - <http://www.hawzah.net>

### Imam Ali in Shahriar's poems

Islamic belief is highlighted in Shahriar's poems. Shahriar, as the highest ranking contemporary poet in Iran, shows a surprising deep knowledge of Islamic studies in his poems both before Islamic revolution and after that. In fact, it seems that some of his poems are representations of some verses of holy Koran, or some narratives of Prophet Mohammad (peace be upon him) or Imams (peace be upon them). Also, it is obvious from his poems that Shahriar really fell in love with Prophet Mohammad and his grand household. Meanwhile, Shahriar's many outstanding poems about

Imam Ali (p. b. u. h.) tell us that there was a special place for the first Imam of Shia in his heart.

Key words: Shahriar, Islamic belief, Prophet Mohammad, Imams, Imam Ali